



هشتم مارچ

ونهضت زنان افغانستان

روز هشتم مارچ نهاد مبارزات سیاسی و اجتماعی زنان جهان برای دفاع و بدست آوردن حقوق شان می‌باشد. برگزاری محافل این روز به عنوان یک رویداد سیاسی سوسیالیستی در بین احزاب سوسیال آمریکا، آلمان و اروپای شرقی آغاز گردید، که بعدها در فرهنگ بسیاری از کشورهای دیگر آمیخته شد. در سال ۱۹۷۷، به پیشنهاد فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان، سازمان ملل، روز هشتم مارس را بنام روز جهانی زن نام گذاری کرد. سازمان ملل انگیزه خود را بر گزینش روز هشتم مارچ، در پیوند با تظاهرات زنان کارگر در سال‌های ۱۸۷۵ و ۱۹۱۱، بیان کرده این روز خجسته را بنام روز زن نام نهاد. روز جهانی زنان در کشورهای آسیائی بخصوص در کشورهای اسلامی که روز تا روز حقوق زنان پامال شده می‌رود خیلی از اهمیت برخوردار است. آزادی که زنان کشورهای اسلامی ۳۵ سال قبل داشت کنون از دست داده است. کنون اکثریت قشر مترقی افغانستان از این روز خجسته جشن گرفته آنرا بعنوان روز فر خنده برای زنان کشور محسوب می‌دارند.

تاریخچه مختصر روز هشتم مارچ

پس از اختراع ماشین بخار در اروپا و آمریکا تعداد کارگران و فابریکه‌ها از دیاد یافت. درین فابریکه جات تعداد از زنان نیز جذب گردیدند ولی در آن زمان مزد زنان کمتر از مردان بود. حقوق دوران حاملگی، رخصتی پس از حامله وجود نداشت. مقدار ساعات کار به ۱۲-۱۱ ساعت می‌رسید و این برای زنان که هم در خانه کار می‌نمودند و هم در فابریکه خیلی طاقت فرسا بود. «در روز ۸ مارس ۱۸۷۵ زنان کارگر کارخانجات نساجی در شهر نیویورک برای بهبود شرایط کارشان و در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد شان، دست به تظاهرات زدند. این حرکت به درگیری قهر آمیز با پولیس آمریکا انجامید و پولیس بطور وحشیانه به تظاهرات حمله کرد و آنرا سرکوب نمود. عده ای از زنان تظاهر کننده زخمی و دستگیر شدند. این مسئله باعث شد که زنان کارگر دیگر هم کم کم به حقوق انسانی خود آگاهی پیدا کنند. و سعی کنند که راه آنها را ادامه بدهند. حرکت اعتراضی هر سال به حالت آشکار و یا مخفی در کارخانه های مختلف ادامه پیدا کرد. روز ۸ مارس ۱۹۰۷ مجددا کارگر زنان نساجی آمریکا با خواست ۱۰ ساعت کار روزانه دست به تظاهرات می‌زنند که این بار هم تظاهرات آنها با سرکوب پولیس روبرو می‌گردد و به دستگیری بسیاری از زنان منجر می‌شود. در این تظاهرات عده ی زیادی از مردان کارگر و زنان طبقات دیگر جامعه نیز شرکت می‌کنند. در سال ۱۹۰۸ حزب سوسیالیست آمریکا

به تشکیل کمیته ملی زنان برای کمپین حق رأی زنان در انتخابات اقدام می کند و در مارس همان سال کارگران زن بافنده سوزنی با خواست ممنوع کردن کار برای کودکان و کسب حق رأی زنان در نیویورک تظاهرات می کنند. رویدادهای ۸ مارس همان سال سبب گردید که در سال بعد یعنی سال ۱۹۰۹ این روز بعنوان نخستین روز ملی زنان در آمریکا تثبیت شود.

این روز کم کم به روز مخالفت زنان کارگر با دولت و کارفرمایان سرمایه دار، برای بهبود شرایط کار و کسب حقوق اجتماعی برای کل زنان در سراسر دنیای صنعتی، تبدیل می گردد. کنگره ی بین المللی سوسیالیستها که در سال ۱۹۱۰ در کپنهاگ دانمارک برگزار گردید، "کلارا زتکین" زن سوسیالیست از حزب سوسیال دموکرات آلمان ۸ مارس را بعنوان روز جهانی مبارزه زنان پیشنهاد می کند. کنگره این پیشنهاد را تصویب میکند. یک میلیون زن سوسیالیست و کارگر و دیگر ائتلاف اجتماعی همراه مردان خواهان حقوق سیاسی - اجتماعی برابر برای همه زنان و مردان شدند. آنها در ۸ مارس سال ۱۹۱۱ در کشورهای آلمان، دانمارک، سوئیس و استرالیا تظاهراتی بر پا می کنند. و با جشن و سخنرانی، خواهان حق رأی، حق کار و آموزش حرفه ای برای زنان شدند. در همین سال در روسیه و چین هم تظاهراتی به مناسبت ۸ مارس برگزار شد. در مدتی کمتر از یک هفته از ۸ مارس در آتش سوزی "تریانکل" در شهر نیویورک به خاطر نبود دستگاههای امنیتی و بدی شرایط کار، ۱۴۹ زن کارگر در آتش سوختند. همین موضوع باعث شد که تظاهرات ۸ مارس سال بعد به طور وسیعی در سراسر دنیای متمدن برگزار گردید و بدی شرایط کار، مورد اعتراض قرار گرفته و محکوم گردید.

با شروع جنگ جهانی اول، میلیونها مرد به جبهه ها گسیل شدند. زنان سوسیالیست در این سالها تظاهرات ۸ مارس را بر علیه جنگ و کشتار و خرابی ناشی از آن برگزار کردند. در ۸ مارس ۱۹۱۷ در روسیه زنان علیه افزایش قیمت ها، تعطیلی کارخانجات و اخراج کارگران دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در رویداد انقلاب فوریه همان سال در روسیه تأثیر زیادی داشت.

در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۶۰ روز جهانی زن جلوه چندانی نداشت. چون زنان توانسته بودند به مقدار زیادی از خواستههای خود دست یابند. با رشد جنبش زنان در دهه ۶۰ این روز هم بار دیگر اهمیت یافت. سال ۱۹۷۵ از طرف سازمان ملل متحد، سال بین المللی زنان اعلام شد و دو سال بعدتر یعنی سال ۱۹۷۷ یونسکو ۸ مارس را به عنوان روز جهانی زن، به رسمیت شناخت. از آن روز به بعد، در چنین روزی مردان به زنان گل یا هدیه تقدیم می کنند و بدینوسیله از مبارزات انسانی زنان قدردانی می کنند.

در سالهای اخیر با توجه به شرایط نابسامانی که برای زنان در سراسر جهان و بخصوص برای زنان کارگر در کشورهای با حکومت دینی، ایجاد شده است، خیلی دشوار تمام شده است. زنان این حکومتها در تلاش رهایی از فقر و خشونت میباشند.

نهضت زنان در افغانستان

نهضت زنان در افغانستان، در زمان شاه امان الله خان شکل گرفت که محور اصلی آنرا پیشرفت و نجات زنان از محرومیت های که دامنگیر بیشتر آنان در این کشور شده بود، تشکیل می داد. هدف این نهضت فراهم آوری حقوق و آزادی های زنان در بیشتر عرصه ها بخصوص تعلیم و تربیه، حق تحصیل، حق کار، آزادی بیان و فعالیت های سیاسی و مدنی و سفر های تحصیلی زنان بخارج از این

کشور بود. در دوره امانی، انجمن حمایت نسوان در کابل تاسیس شد که بیشتر در راستای آموزش سواد، دوخت و بافت و امور منزل فعالیت می‌کرد.

در زمان محمدظاهر شاه در سال ۱۳۲۲ اتحادیه زنان که بیست زن در آن عضویت داشتند، مؤسسه عالی نسوان را در مرکز شهر کابل با هدف تشکل، آموزش و روشنگری زنان افغان تاسیس کردند. با پیشنهاد و پیگیری بی‌بی زینب، خواهر امان‌الله شاه، یک قطعه زمین به این مؤسسه اختصاص یافت و در آن کودکستان، مکتب، سینما و دفترهای کار ساخته شد. مکتب آن به سوادآموزی برای زنان بزرگسال می‌پرداخت. فعالیت مؤسسه عالی نسوان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای محدود بود. نام این مؤسسه در سال ۱۳۴۲ به «میرمنو تولنه» تغییر یافت و زیر نظارت وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان قرار گرفت و فعالیت آن به سمت «انکشاف مزید نهضت زنان و اشتراک آنها در امور مهمه معطوف گردید تا موقف زن را در جامعه افغانی بطور سالم تقویه نماید». مؤسسه نسوان در ابتدای دهه ۱۹۷۰ روز ۱۴ جون هر سال را برای بزرگداشت مقام مادر، روز مادر نامگذاری کرد. بعداً صالحه فاروق اعتمادی به مدیریت میرمنو تولنه رسید. او به مکتب مسلکی دمیرمن و تولنه توجه خاص داشت و برای تحصیل دختران افغان در خارج از این کشور به آنان کمک می‌کرد.

در سال ۱۳۴۴ (نوامبر ۱۹۶۵ میلادی) سازمان دموکراتیک زنان افغانستان توسط دوکتور آناهیتا راتب زاد، ثریا پرلیکا، کبرا علی، حمیده شیرزی، مومنه بصیر و جمیله کشتمند در کابل بنیان گذاشته شد. از فعالیت‌های این گروه می‌توان به برپایی تظاهرات‌هایی در جهت حقوق زنان اشاره کرد. برای اولین بار در افغانستان، زنان در تظاهرات مظاهره سه عقرب که توسط گروه‌های چپ‌گرا سازمان‌دهی شده بود، شرکت کردند. در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸ میلادی) برخی از اعضای محافظه کار ولسی جرگه می‌خواستند قانونی برای منع تحصیل دختران افغان در خارج کشور به تصویب برسانند ولی با سازمان‌دهی سازمان زنان، صدها دختر علیه این پیشنهاد تظاهرات کرده و آن را مغایر با قانون اساسی افغانستان و تساوی حقوق زن و مرد دانستند. در نتیجه، ولسی جرگه از این پیشنهاد صرف نظر کرد. در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰ میلادی) اعضای جناح افراطی «جوانان مسلمان» بر علیه پوشیدن لباس کوتاه و شیک پوشی زنان، به پای دختران و زنانی که لباس کوتاه به تن داشتند، فیر کردند و گاه به روی بعضی آنها با تیزاب اسید پاشی کردند. سازمان زنان بیش از ۵۰۰۰ زن و دختر در شهر کابل را سازمان‌دهی کرد و با تظاهراتی گسترده از حکومت وقت خواهان بازرسی و مجازات عاملین این کار شدند. حکومت نیز تعدادی از عاملین را دستگیر و زندانی کرد.

«شوراهای ولایتی زنان که از سازمان‌های زنان بسیار قدیمی در افغانستان و منطقه بود، در این زمان تاسیس شدند. این شوراها دارای ۱۶۵ هزار عضو در ۳۱ شورای ولایتی، ۲۵ شورای شهری، ۳۸ شورای ناحیوی، ۲۵ شورای ولسوالی و ۳۱۰۰ سازمان اولیه بود. دکتر آناهیتا راتب زاد که علاوه بر عضویت سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، نماینده مردم کابل در پارلمان دوره ۱۲ نیز بود در ایجاد شوراهای ولایتی زنان نقش مهمی داشت.»

در زمان داود خان میرمنو تولنه فعال بود ولی فعالیت سیاسی زنان محدود گردید. پس از هفت ثور سازمان زنان تاسیس گردید که علاوه بر فعالیتهای داخلی ارتباط مستقیم با سایر سازمانها و نهادهای خارجی ارتباط داشت.

بدترین دوره در تاریخ زنان افغانستان دوره طالبان است. در بسیاری از فامیله‌ها زنان نفقه آور فامیل بودند. طالبان برای زنان حق کار در بیرون را نداد بدین ترتیب به هزاران فامیل تباه شدند. همه حقوق انسانی زن بر پرپای رفت. زن صرف منی‌حیث برده در منزل باقی مانده بود.

پس از گم شدن حکومت طالبان، بر اساس توافقات کنفرانس بن، در قوس ۱۳۸۰ وزارت امور زنان افغانستان در چوکات اداره مؤقت افغانستان تاسیس شد. اکنون سازمان‌های زنان از جمله کمیته مشارکت سیاسی زنان افغانستان، شبکه زنان افغانستان، اتحادیه سراسری زنان افغانستان، کمپاین پنجاه در صد، زنان جوان برای تغییر، جمعیت انقلابی زنان افغانستان (راوا)، مؤسسه شهدا و غیره در افغانستان در جهت حقوق زنان در افغانستان فعالیت می‌کنند. علاوه بر این نهاد ها و سازمانهای زنان افغان در کشورهای خارج مانند شورای زنان اروپا امریکا آسریا در ارتباط با نهادهای زنان افغانستان همکاری دارند. کنون زنان حق رخصتی حاملگی، حق کار در هر بخش، حق در خواست میراث، حق مساوی در رای دهی انتخابات و غیره را دارند. امیدواریم زنان وطن دیگر از پاننه افتاده این روند را تقویه بخشند.

در حالت موجوده زنان فعال افغان قرار ذیل اند. شکریه بارکزی، ملالی جویا، فرخنده زهرا نادری، صالحه وهاب واصیل، شرین نظیری، شیما غفوری، زرغونه عبیدی، معصومه عصمتی وردک آریانا سعید، شفیقه یارقین، شینکی کروخیل، نفیسه مبارز، ثریا پرلیکا، عذرا جعفری، فریده انوری، نرگس مجاهد سادات، محبوبه کارمل، جنرال خاتول، خدیجه شیرباز، فوزیه کوفی، حسنیہ صافی، جنرال سهیلا صدیق، زلیخا پوپل، فتانه مقتدر، عزیزه عنایت، گلالی اچکزی، حسن بانو غضنفر، آمنه افضلی، داکتر حبیبیه سرابی، سیماسحر، ثریا دلیل، زهره یوسفی، خدیجه احراری، بهار سعید، آرزو پوپل، داکتر راضیه هوتکی، نادیه فضل، حمیرا ثاقب، ناهید صدیق علومی، نیلاب سلام، ذکیه کهزاد شکریه عرفانی، سحر جان، حسنیه عثمان، زهره رهگذر، سنجیه، مکی ظهري، خانم آرا فاروق، نجیبه آرش و غیره میباشد.

http://voiceofwomenafg.blogspot.dk/2015/03/blog-post_41.html#more